

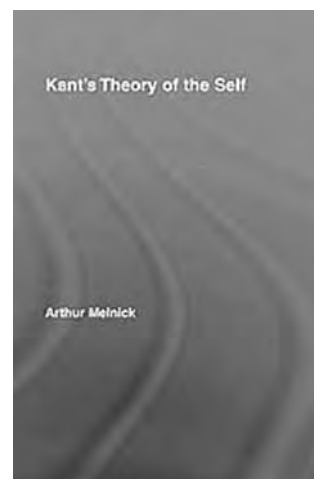


ایمانوئل کانت

## نظریه کانت درباره خود

آرتور ملنیک  
ابوالفضل مسلمی

این کتاب دارای پنج بخش و دوازده فصل می‌باشد. هدف این کتاب نمایان ساختن جایگاه سوژه اندیشنده نزد کانت است، سوژه ای که پدیدار نمی‌شود و شیء فی نفسه نیز نیست. به نظر نویسنده سوژه اندیشنده، پدیدار نیست؛ زیرا در جریان توجه درونی و بیرونی نمایان نمی‌شود و نمی‌تواند نمایان گردد. به نظر کانت سوژه اندیشندها خود (Self)، فعالیت عقلانی برای وحدت بخشی‌دن به توجه درونی می‌باشد. از این لحاظ تمایز میان سوژه‌ها تفکرانی که به این سوژه تعلق دارند تمایزی در درون



Melnick Arthur. (2009).  
*Kant's Theory of the Self*.  
Routledge



## ایمانوئل کانت

این فعالیت است و نه تمایزی میانک هویت و تفکرات به مثابه اعمالی که به آن تعلق دارند. پس به نظر کانت فرد غالباً قابلیت منفعلانه برای چنین فعالیت فکریا قابلیت برای "حاملا سوژه بودن" حالات درونی می‌باشد. این رویکرد دقیقاً در تناقض با دیدگاه‌هایی است که فرد را ک جوهری موجود می‌دانند و اینکه فرد را تنها مجموعه‌ای از حالات تلقی می‌نمایند که دارای پیوندهای روان شناختی است.

نویسنده معتقد است که این وضعیت و حالت سوژه اندیشنده بر تمام مباحثی که درباره ماهیت خود صورت می‌گیرد، حاکم است. نویسنده پس از بیان این دیدگاه و رابطه آن با ایده آلیسم استعلایی در بخش یک و دو نشان می‌دهد که چگونه این دیدگاه، متن کانت را در دو مغالطه اول تبیین می‌نماید. سپس در بخش سه بیان می‌کند که این امر نظریه کانت را در مورد اینهمانی ادراک نفسانی در استنتاج ویرایش A، روشن می‌سازد. در بخش چهار نویسنده از این دیدگاه استفاده می‌کند تا بحث کلیدی کانت را در مورد رابطه میان خود تعیین کننده و خود قابل تعیین (ادراک نفسانی در برابر حس درونی) در استنتاج ویرایش B و صورتبندی کانت از فرد را در مغالطه سوم تبیین نماید. در نهایت نویسنده در بخش پنج مسئله تفکیک پذیری سوژه از واقعیت مادی را بررسی می‌کند و اینکه سوژه چگونه می‌تواند در پیوندی بی واسطه با چنین واقعیتی قرار گیرد. به نظر نویسنده، اگر رویکرد و موضع وی درست باشد آنگاه دیدگاه کانت درباره سوژه می‌تواند از دو مشکل ذیل رهاییابد: ۱. استناد به واقعیت نومنال به عنوان سوژه‌ها ۲. تقلیل سوژه به مجموعه‌ای از حالات درونی. بدین ترتیب می‌توان گفت که کانت دارای سوژه غیرنومنال به عنوان حامل اندیشه‌ها و ادراک‌ها است. به نظر نویسنده این رویکرد می‌تواند همچنین تبیین‌های کارآمدی را از ماهیت خودآگاهی استعلایی (فصل ۵) و ماهیت اینهمانی فردی (فصل ۱۰) فراهم نماید.

نویسنده دیدگاه خود را دیدگاه پویا و پدیده شناختی به "خود" می‌نامد. به نظر وی خود، فعالیت پویا است که تفکراتی را که از آن ناشی می‌شوند، پنهان می‌کند و این فعالیت از حیث پدیده شناختی بر اساس نگرش اول-شخص تمایزپذیر است. نویسنده خاطر نشان می‌سازد که: کانت در مغالطات می‌گوید که کوجیتو، موضوع صرف روان شناسی عقلانی است. به نظر نویسنده، کانت معتقد است نتایج اونتولوژیکی‌ای وجود دارند که می‌توانند از کوجیتو اخذ شوند، اما این نتایج تنها نتایجی نیستند که روان شناس عقلانی آنها را اخذ می‌کند. چنین نگرشی به نظریه‌های کانت نه تنها با تبیین‌های متافیزیکی و کارکردگرایانه بلکه همچنین با تبیین‌هایی در تضاد است که "من می‌اندیشم" را صرفاً منطقی، صوری، قصدی و معناشناختی می‌دانند. نویسنده بحث درباره این نظریه‌های متضاد را به تأخیر می‌اندازد تا نظر خود را به صورت کلی در فصل‌های یک و دو بیان کند و آن را با متن دو مغالطه اول مقایسه نماید. در واقع، این نظریه‌های متضاد را در فصل شش مورد بحث قرار می‌دهد.

نویسنده درباره روش خود می‌گوید: «اگرچه دیدگاه من پدیده شناختی است و چیزهای بسیاری را از هایدگر، مرلوپونتی و سارتر آموخته‌ام اما با سنت تحلیلی نیز سروکار داشته‌ام، از جمله با نظرات سلارز، استراوسون...» این کتاب درباره جایگاه اونتولوژیکی خود اندیشنده در نقد اول می‌باشد و در پی آن نیست که تبیینی را از خود اخلاقی ارائه دهد.

عناوین کتاب: بخش ۱: نگاهی اجمالی؛ واقعیت سوژه اندیشنده؛ مغالطات و ایده آلیسم استعلایی؛ بخش ۲. سوژه اندیشنده؛ مغالطه اول؛ مغالطه دوم؛ خودآگاهی استعلایی؛ تفاسیر دیگر از مغالطات؛ بخش ۳. سوژه شناسنده؛ ادراک نفسانی تجربی؛ ادراک نفسانی محض؛ بخش ۴. فرد به مثابه سوژه؛ ادراک نفسانی و احساس درونی؛ مغالطه سوم و صورتبندی کانت از فرد؛ بخش ۵. سوژه و واقعیت مادی؛ سوژه تجسمافته؛ مغالطه چهارم.